

سرمقاله

از نیمه‌های دهه ۱۳۶۰ تا کنون، نزدیک به ۸۰ عنوان کتاب در حوزه‌های زبان و ادبیات فرانسه، مترجمی فرانسه، آموزش زبان فرانسه و اخیراً مطالعات فرانسه توسط متخصصان دانشگاهی این حوزه‌ها و به همت مراکز نشر دانشگاهی به چاپ رسیده‌اند. در این میان، سهم انتشارات «سمت» حدود ۴۰ عنوان، سهم «مرکز نشر دانشگاهی» قریب به ۲۵ عنوان و سهم انتشارات دانشگاه‌ها حداکثر ۱۵ عنوان بوده است. اگر این ارقام کمابیش دقیق باشند، باید نتیجه گرفت که ما در زمینه تولید کتاب‌های درسی برای گرایش‌های مختلف زبان فرانسه، حتی از نظر کمی عملکرد درخشانی نداشته‌ایم. ۸۰ کتاب در طول سی سال یعنی کم‌تر از سه کتاب در سال، برای چهار گرایش. البته در سال‌های اخیر بخش زیادی از نیروی ما صرف فعالیت‌هایی مثل نگارش مقاله، برگزاری همایش، شرکت در کنفرانس‌های داخلی و خارجی، هم‌کاری با ناشران غیردانشگاهی و ... شده است. اما با وجود ۱۱ گروه زبان فرانسه در دانشگاه‌های دولتی و بین ۶ تا ۹ گروه در دانشگاه‌های آزاد، و با احتساب میانگین ۵ عضو تمام‌وقت برای هر گروه، این پیش‌فرض که ما در تولیدات دانشگاهی از رشد کمی برخوردار بوده‌ایم یک‌سره بی‌اعتبار به نظر می‌رسد.

به شکلی ناسازمند، در خصوص کیفیت پایین این «تولیدات» اختلاف نظر کم‌تر است. همگی می‌دانیم که بسیاری از کتاب‌های درسی، در طول سی سال گذشته، بارها بدون هیچ تغییری تجدید چاپ شده‌اند و دانشی قدیمی را به دانشجویان عرضه می‌کنند. همگی آگاهیم که بسیاری از این کتاب‌ها در واقع رونویسی‌هایی ناشیانه از منابع اروپایی هستند. همگی باور داریم که نزد ما تولید علم جای خود را به «شکلک» این تولید، یعنی «مونتاز»، داده است. همگی واقفیم که در غالب مونتازهای ما، نه به کیفیت مواد و قطعات توجه می‌شود، نه به کیفیت هم‌گذاری آن‌ها. و همگی اذعان داریم که کتاب‌های ما، به‌جای ترغیب دانشجویان به اندیشه و پژوهش، رابطه آنان را با دیگر منابع فرهنگی قطع می‌کنند، و خود پروا نداریم از این‌که در مقدمه کتاب‌مان ادعا کنیم که هدف ما بی‌نیاز کردن دانشجو از مطالعه منابع دیگر است ...

گلایه و تمسخر شفاهی و نهانی، چنان‌که در میان ما شایع و رایج‌اند، راه به جایی نبرده‌اند و نخواهند برد. سه سال پیش، یکی از هم‌کاران جوان ما، علاوه بر اقتباس‌های معمول، ۹۰ صفحه پیاپی از کتاب ۲۱۳ صفحه‌ای خود را یک‌جا به رونویسی بخشی از یک منبع فرانسوی اختصاص داده و حاصل این «پژوهش» را در انتشارات سمت به چاپ رسانده است. این بدان معناست که نه تنها مونتاژهای ثلث‌قرن گذشته زمینه را برای تولید دانش ایرانی فراهم نکرده‌اند، بل امروزه قطعه‌های رونوشته طولانی‌تر، و مونتاژها ناشیانه‌تر و علنی‌تر شده‌اند. البته هم‌کار محترم ما تا این اندازه صداقت داشته است که کتاب خود را هم‌زمان به دو صفت écrit (= نوشته) و compilé (= متشکل از قطعه‌های گردآورده و، در معنای منفی‌تر، رونوشته، مسروقه ادبی) متصف کند. اما اگر هدف از این اعتراف توجیه رونویسی‌های ۹۰ صفحه‌ای و کسب مجوز برای آن‌ها باشد، این (رو) نوشته نیز همان‌قدر به ساحت پژوهش و شعور خواننده اهانت می‌کند که سرقت‌های علمی‌ای که گستاخانه نقاب انحصاری ابداع و آفرینش را به چهره زده‌اند. باری اقدام به چاپ این‌گونه کتاب‌ها هیچ معنایی ندارد مگر شکسته شدن قبح مونتاژ علمی و نشستن کاریکاتور دانش به جای دانش.

مجموعه پیش رو کوششی است برای تبدیل انتقاد شفاهی و پنهان به نقد مکتوب و آشکار. هدف آن نه تخریب افراد، بل تخریب نوعی ادراک عام از پژوهش دانشگاهی و تولید علمی است. بر اساس این ادراک ناگفته، وظیفه پژوهش‌گر ایرانی چیزی نیست جز چسباندن داده‌ها و اطلاعات خارجی به یک‌دیگر، غالباً بدون توجه به پیوند منطقی این اطلاعات و داده‌ها، و بدون کم‌ترین کوششی برای تحلیل و نهایتاً تبدیل آن‌ها به دانش ملی و کاربردی. حاصل این ادراک از پژوهش، کتاب‌ها و مقاله‌هایی هستند که تنها در حلقه بسته دانشگاه و برای رفع نیازهای فردی و کوتاه‌مدت استاد و دانشجو به کار می‌آیند. حاصل این ادراک هم‌چنین یک «گفتمان» پژوهشی بسته، محدود و بی‌مسئولیت است که واژه‌های کلیدی آن نه پرسش‌گری و حقیقت‌جویی و خردورزی و بحران‌دانی و تنش وجودی و رویکرد علمی و اعتبار جهانی و رفع نیازهای اجتماعی، بل پژوهانه و امتیاز و ترفیع و ارتقا و تحمیق و جاه‌طلبی و سودجویی و منفعت شخصی هستند. افشای منش تاجرمانبانه و کاسب‌کارانه این گفتمان، نخستین گام است در مسیر نابودی ادراک فردمحور و خودمحور از پژوهش.

همه‌ئنه گفتار این مجموعه به نقد «تولیدات» ایرانی اختصاص نیافته‌اند. علاوه بر کتاب‌های خواندن متون ساده چاپ انتشارات سمت، پژوهشی در هزارتوی رمان نو چاپ

دانشگاه تهران، نقد و نظریه‌های ادبی معاصر چاپ دانشگاه تبریز و تاریخ ادبیات فرانسه قرن نوزدهم چاپ انتشارات سمت، سه کتاب خارجی را نیز در گرایش‌های ترجمه‌شناسی و آموزش زبان مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌ایم: درآمدی بر ترجمه‌شناسی اثر ماتیو گیدر M. Guidère، رویکرد ارتباطی در آموزش زبان‌ها اثر کلود ژرمن C. Germain و راه‌بردهای یادگیری اثر پُل سیر P. Cyr. نقد تطبیقی دو کتاب بارت و پسامدرنیسم از مجموعه درآمدهای بسیار کوتاه *Very Short Introductions* (چاپ دانشگاه آکسفورد انگلستان) و ترجمه آن‌ها به زبان فارسی، و هم‌چنین مباحث مربوط به آموزش زبان‌های خارجی و مسئله مهاجرت، موضوعات دو گفتار دیگر هستند.

این «جنگ‌وارگی» باب طبع خود ما هم نیست، اما شاید بتواند تصویری، هرچند مبهم، از وضعیت پژوهش و ترجمه را در ایران امروز به‌دست دهد. برای روشن‌تر شدن این تصویر، کمیته تخصصی زبان و ادبیات فرانسه پژوهش‌گاه علوم انسانی در نظر دارد شماره‌های بعدی ویژه‌نامه خود را به تشکیل پرونده‌هایی جامع و منسجم از آثار متخصصان ایرانی زبان و فرهنگ فرانسوی و جریان‌های مهم این حوزه اختصاص دهد. باور ما این است که بدون بررسی‌های روش‌مند و سامان‌مند، دست‌یابی به یک ادراک دقیق از فضای ادبی و فرهنگی موجود امکان‌پذیر نیست، و یقین داریم که این ادراک مقدمه همه فعالیت‌های تولیدی و همه پژوهش‌های اصیل و واقعی است. با توجه به معادلات جدید بین‌المللی و فتح باب مبادلات علمی و فرهنگی با دنیای غرب و به‌ویژه کشور فرانسه، به‌نظر می‌رسد که تنها با همین اراده معطوف به تولید و خلاقیت بتوان از موضع برابر با جهانیان به گفت‌وگو نشست.

م. مهیمنی

بهمن‌ماه ۱۳۹۴

